

## بررسی تطبیقی آراء تفسیری سید محمدباقر صدر و سید قطب

سید علی حسینی \*

### چکیده

در این نوشتار دیدگاه‌ها و نظریات تفسیری دو مفسر و اندیشمند مطرح جهان اسلام «شهید سید محمدباقر صدر رحمته الله علیه» و «سید قطب» مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است. نگارنده نخست دیدگاه‌های هر یک از دو مفسر را گزارش نموده، سپس با توجه به مبانی و روش‌های تفسیری هر یک، تفاوت‌ها و همانندی‌های آن دو را در تفسیر، مورد مقایسه و ارزیابی قرار داده است. هرچند گرایش‌ها و شیوه‌های تفسیری این دو مفسر متفاوت است، در عین حال از همانندی‌های نیز برخوردار است.

**واژگان کلیدی:** تفسیر، تطبیق، منطقة الفراغ، استنطاق، نگرش، روش.

---

\*. دانش پژوه دکترای تفسیر تطبیقی، جامعه المصطفی ص العالمیه - مشهد مقدس

Email: shahab4022@gmail.com

## مقدمه

هم‌زمان با نزول آیات قرآن کریم، خداوند متعال خطاب به رسول خدا ﷺ دستور تبیین و تفسیر آن را صادر نموده فرمود: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...﴾ (نحل: ۴۴) بر اساس این آیه شریفه رسول خدا ﷺ اولین مبین و مفسر قرآن است. پس از ایشان، جانشینان معصوم او مفسران واقعی قرآن هستند که بعد از رسول خدا ﷺ در هر زمان ممکن و با توجه به فهم مخاطبان، به تفسیر، تأویل، بیان بطون و تطبیق مصادیق آیات پرداختند و روش‌هایی تفسیری را از خود به‌جای گذاشتند. هم‌زمان با تفسیر آیات نورانی قرآن کریم توسط رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام افرادی دیگری نیز به تبعیت از آن‌ها به بیان مراد خدا از آیات نورانی و تبیین اهداف قرآن همت گماشتند. آنچه از تاریخ تفسیر به دست می‌آید، در آغاز تفسیر قرآن به‌صورت روایاتی پراکنده درباره شأن نزول، معانی تکواژه‌ها، بیان احکام، شکل گرفت؛ لذا در قرن‌های اول بیشتر، تفاسیر روایی، ادبی و غریب القرآن تدوین شد. با گذر زمان و شکل‌گیری نحله‌ها و گرایش‌های تفسیری به دلیل دفاع از ارزش‌های اعتقادی، در مقابل شبهات و القائنات برون دینی و درون دینی، هم‌چنین نیازهای جامعه، گرایش‌ها و روش‌های بیشتری در حوزه تفسیر پدیدار گشت که از جمله می‌توان به گرایش‌ها و روش‌های تفسیری «شهید سید محمدباقر صدر رحمته‌الله» و «سید قطب» اشاره نمود. ما در این نوشتار به بررسی نظریات قرآنی این دو مفسر، با دو روش تفسیری «ترتیبی» و «موضوعی» و با دو شیوه تفکر «شیعی» و «سنّی» در دو حوزه تفسیری «عراق» و «مصر» که برای به دست آوردن هدف واحد یعنی «حل مشکلات جامعه اسلامی با رویکرد قرآنی» تلاش نموده‌اند، می‌پردازیم تا همانندی‌ها و تفاوت‌های مبنایی و راه‌حل‌های مطرح‌شده در این دو دیدگاه را به دست آوریم.

## آراء تفسیری شهید سید محمدباقر صدر علیه السلام

### ۱. آثار قرآنی شهید صدر علیه السلام

مرحوم شهید صدر علیه السلام در حوزه‌های مختلف علوم، آثار فراوانی از خود به جای گذاشت که معروف‌ترین آن «اقتصادنا»،<sup>۱</sup> «فلسفتنا»، «البنک الاربوی فی الاسلام»،<sup>۲</sup> «الأسس المنطقية للاستقراء»، «الفتاوی الواضحة» است؛ اما در بین آثار ارزشمندی که از سید محمدباقر صدر علیه السلام به جامانده است، آثار قرآنی و نظریات وی در حوزه پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای بشر معاصر، جایگاه ویژه‌ای دارد. آثار معروف شهید صدر علیه السلام در حوزه قرآنی عبارت‌اند از:

- ۱) مقدمات فی تفسیر الموضوعی للقرآن.
- ۲) حریة فی القرآن.
- ۳) العمل الصالح فی القرآن.
- ۴) دروس من القرآن الکریم.
- ۵) المدرسة القرآنیة. (شقیعی و صلواتی، ۱۳۹۱: ۴۴۶)

### ۲. نظریات و نوآوری‌های شهید صدر علیه السلام در تفسیر قرآن

شهید صدر در حوزه‌های متعدد علوم، نظریات بدیع از خود به جای گذاشت به گونه‌ای که سبب تحول در علوم دینی و اجتماعی شد. از جمله نظریات مهم او در حوزه تفسیر قرآن، نظریه «استنطاق» و نظریه «منطقه الفراغ» است.

۱. اقتصادنا نخستین کتاب در نقد اقتصاد کاپیتالیستی و کمونیستی است که شهید صدر بعد از نقد اقتصاد مکاتب غیردینی، اصول و مبانی اقتصادی اسلام را تبیین می‌کند.

۲. شهید صدر اثر حاضر را به درخواست گروهی از متخصصان و کارشناسان امور بانکداری نگاشته و در آن شیوه‌هایی جهت جذب منابع در بانکداری بدون ربا ارائه کرده و با بهره‌گیری از موازین فقهی به منظور جایگزین کردن بانکداری اسلامی به جای بانکداری غربی و شیوه آن توضیح داده است.

### الف. نظریه «استنطاق»

تاریخ پرافتخار تدوین تفسیر، بیان‌گر آن است که تفسیر با شیوه‌های مختلف نگارش می‌یابد که از جمله آن‌ها روش تفسیر موضوعی است. یکی از آثار قرآنی شهید صدر رحمته الله «المدرسة القرآنية» است که به شیوه تفسیر موضوعی، تدوین گردیده است. شهید صدر رحمته الله در این کتاب به اهمیت تفسیر موضوعی می‌پردازد و نظریه استنطاق را در آن مطرح می‌کند. در ادامه به چگونگی تدوین و ویژگی‌های تفسیری موضوعی از نگاه شهید صدر رحمته الله می‌پردازیم.

#### ۱. تعریف تفسیر موضوعی

آیت‌الله مکارم شیرازی در تعریف تفسیر موضوعی می‌گوید:

آیات مختلفی که درباره یک موضوع در سرتاسر قرآن مجید در حوادث و فرصت‌های مختلف آمده است، جمع‌آوری و جمع‌بندی گردد و از مجموع آن، نظر قرآن درباره آن موضوع و ابعاد آن روشن گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ج ۱: ۲۱)

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی نیز در تعریف تفسیر موضوعی می‌نویسد:

تفسیر موضوعی آن است که مفسر، آیات مربوط به یک موضوع را گردآوری کرده و با استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، آن‌ها را قرینه تفسیر همدیگر قرار دهد و نظر نهایی قرآن در مورد آن موضوع را روشن سازد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ج ۲: ۳۸۲)

#### بررسی

قید «استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن» در تعریف ارائه شده از استاد دکتر رضایی اصفهانی مسامحه در تعریف است؛ زیرا استاد خود در تقسیم تفسیر، (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ج ۲: ۳۲۴) تفسیر قرآن به قرآن را نوع تفسیر ناقص بیان نموده است و تفسیر موضوعی هرچند بر اساس تفسیر قرآن به قرآن است؛ اما مفسر و پژوهشگر در تفسیر موضوعی نباید از روایات، عقل و قرائن دیگر غفلت کند.

## ۲. پیشینه تاریخی تفسیر موضوعی

رشد تفسیر موضوعی قرآن، پدیده‌ای نوآمد به شمار می‌آید که در چند دهه اخیر بالنده شده است؛ اما هنگامی که به میراث مکتوب مفسران قرآن و محدثان مراجعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که در احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام از این شیوه تفسیری، که نوعی تفسیر قرآن به قرآن است، استفاده شده است. در گذشته نیز این شیوه تفسیری به صورت کمرنگ در میان مفسران وجود داشته است. کتاب‌هایی همچون «احکام القرآن» محمد بن صائب کلبی و «زبدة البیان» محقق اردبیلی، «کنز العرفان» فاضل مقداد و «فقه القرآن» راوندی و ... از پیشگامان تفسیر موضوعی به شمار می‌آیند. همچنین کتاب‌های فقهی شیعه و اهل سنت که موضوعات قرآنی همچون نماز، روزه، زکات و ... را با توجه به آیات و روایات مورد بررسی قرار داده‌اند، نوعی تفسیر موضوعی به شمار می‌آیند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ج ۲: ۳۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ج ۱: ۲۳-۲۷)

در دو دهه اخیر، شیوه تفسیر موضوعی بالندگی خاصی پیدا کرد و در موضوعات متنوع نگاشته شد. از جمله می‌توان به تفسیر موضوعی «منشور جاوید» آیت‌الله سبحانی، «پیام قرآن» آیت‌الله مکارم شیرازی، «معارف قرآن» آیت‌الله مصباح یزدی و ... اشاره نمود که از نمونه‌های جدید این شیوه تفسیری به شمار می‌آیند.

## ۳. اقسام تفسیر موضوعی

شهید صدر رحمته الله در کتاب «المدرسة القرآنية» تفسیر را به دو قسم «تجزیه‌ای یا ترتیبی» و «توحیدی یا موضوعی» تقسیم می‌کند؛ اما با توجه به این که شهید صدر رحمته الله شیوه تفسیری خود را بر مبنای استنطاق از قرآن و طلب سؤال از ساحت قرآن در برابر پرسش‌ها و چالش‌های موجود در جامعه بنا نهاده است؛ لذا تفسیر موضوعی را می‌توان به تفسیر موضوعی درون قرآنی و تفسیر موضوعی برون قرآنی تقسیم کرد.

### یکم. تفسیر موضوعی درون قرآنی

در شیوه تفسیر موضوعی درون قرآنی، یک موضوع، همچون: توحید، نبوت، امامت، معاد و ... در آیات قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد و مفسر با استفاده از آیات قرآن، آیات دیگری را تفسیر می‌کند، مقید و مخصص موجود در آیات را در کنار عام و مطلق قرار می‌دهد و با کمک عقل و روایات تفسیری، به نتیجه‌گیری پیرامون یک موضوع می‌پردازد، مانند تفسیرهای موضوعی که تاکنون تدوین گردیده است، مثل «احکام القرآن» کلیبی، «زبدة البیان» اردبیلی، «کنز العرفان» فاضل مقداد، «فقه القرآن» راوندی، «منشور جاوید آیت‌الله» سبحانی، «پیام قرآن» آیت‌الله مکارم، «معارف قرآن» آیت‌الله مصباح یزدی و ...

### دوم. تفسیر موضوعی برون قرآنی

این شیوه تفسیری آزاد از قیود زمان، مکان و محدودیت‌های عبارتی است؛ یعنی از خصوصیات زمانی و مکانی الغاء می‌شود و لبّ معانی به‌دست آمده و به‌صورت قانون و قاعده کلی برای پاسخ‌گویی به مصداق‌های جدید و موضوعات و مشکلات بشر به کار می‌رود. (رضایی اصفهانی،

۱۳۸۷، ج ۲: ص: ۳۸۴) شهید صدر رحمته الله علیه در توضیح این شیوه تفسیری می‌فرماید:

روش موضوعی در تفسیر شامل بررسی تک‌تک آیات قرآن نمی‌شود؛ بلکه مفسر در یک موضوع اساسی اعتقادی مثل توحید، نبوت، معاد یا موضوعات اجتماعی مثل نظام اقتصادی، رابطه ایمان و عمل، رابطه رفاه اقتصادی و معنویت دینی، رابطه دنیا و آخرت، روابط مسلمانان با غیرمسلمانان، سکولاریسم در قرآن، پلورالیسم در قرآن و ... تحقیق و تفحص می‌کند و می‌کوشد تا نظر نهایی قرآن در رابطه با آن موضوع را به دست آورد. (الصدر، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۹: ۲۴)

شهید صدر رحمته الله علیه در تبیین این مبنای تفسیری خود معتقد است که این شیوه‌ای است که امیر

بیان حضرت علی رضی الله عنه به آن اشاره نموده و می‌فرماید:

ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ لَكُمْ اَخْبِرْكُمْ عَنْهُ اِنْ فِيهِ عِلْمٌ مَا مَضَى وَ عِلْمٌ مَا يَأْتِي اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ وَ بَيَانٌ مَا اَصْبَحْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ فَلَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ لَعَلَّمْتُكُمْ»، (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۶۱؛ شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ۷۵۸) شما این قرآن را

به سخن آورید، قرآن هیچ‌گاه سخن نمی‌گوید، ولی من از قرآن به شما خبر می‌دهم. بدانید قرآن، دانش آینده و اخبار گذشته است، داروی دردهای شما قرآن است و این قرآن است که امور شما را به هم مربوط و با هم منتظم می‌سازد.

### نمونه‌های تفسیر موضوعی شهید صدر علیه السلام

هر چند دست اجل شهید صدر علیه السلام را به سوی شهادت کشاند، در عین حال او در باب تفسیر موضوعی عملاً این شیوه را به قرآن‌پژوهان و تشنگان معارف ناب قرآنی ارائه کرد و یکی از بحث‌های زنده و مورد توجه محافل علمی «فلسفه تاریخ و سنت‌های اجتماعی» را تبیین نموده است. (الصدر، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۹: ۴۳)

شهید صدر علیه السلام در این شیوه تفسیری خود، ابتدا موضوع بحث را عنوان نموده آیات مرتبط با آن را بیان می‌کند؛ پیرامون مدلول هر لفظ و جمله‌ای که در قرآن کریم است، بحث می‌کند؛ زوایای مختلف هر موضوع را بررسی می‌نماید؛ مانند بحث از اسباب نزول، بحث از ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، عام و خاص، نقش قرآن در تاریخ و بنیان تمدن بشری و ساختن انسان و هدایت آن و همه مباحثی که به قرآن کریم با این اعتبار که کلام خداوند است، مربوط می‌شود (زنجانی، ۱۳۷۳: ۱۳۱) و در آخر از مجموع مباحث مطرح شده حول موضوع، نتیجه می‌گیرد. شهید صدر علیه السلام سنن تاریخ از نگاه قرآن را بررسی نموده می‌گوید:

سنت‌های تاریخ در آیاتی از قرآن کریم به اشکال مختلف و السنه متعدد تبلور پیدا نموده است. در بعضی موارد سنت‌ها و قانون کلی تاریخ و در برخی موارد مصادیق را بیان می‌کند، هرچند برخی از آیات دلالتشان بر موضوع واضح است و برخی دیگر مؤید مطلب است. (الصدر، ۱۴۲۱ ق،

ج ۱۹: ۵۵)

### نمونه اول: مرگ و حیات اجتماعی

یکی از آیاتی که قانون کلی برای سنت‌های تاریخ را بیان می‌کند، این آیه شریفه است که می‌فرماید: ﴿...لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ (یونس:

۴۹؛ نحل: ۶۱) «...برای هر قوم و ملتی، سرآمدی است؛ هنگامی که اجل آن‌ها فرا رسد (و فرمان مجازات یا مرگشان صادر شود)، نه ساعتی تأخیر می‌کنند و نه پیشی می‌گیرند.»  
 همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿...فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾، (نحل: ۶۱) «... و هنگامی که سرآمد آن‌ها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند و نه بر آن پیشی می‌گیرند.»

شهید صدر رحمته در توضیح این آیات شریفه می‌فرماید:

با ملاحظه این دو آیه شریفه می‌بینیم اجل اضافه به امت و جامعه شده نه افراد؛ بنابراین وراء اجل حتمی برای افراد دیگری وجود دارد که به آن اجل اجتماعی اطلاق می‌شود و مرگ جامعه به تغییر در افکار و اعتقادات و فرهنگ‌هایی است که در گذر زمان حاصل می‌شود. جامعه‌ای که قرآن از آن به امت یاد می‌کند، برای آن اجل و مرگ است؛ همچنان که برای او حیات و حرکت است؛ هم چنان که افراد در جامعه حرکت دارند، بعد از مدتی می‌میرند، امت نیز چنین است. (الصدر، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۹: ۵۶)

شهید صدر رحمته در ادامه به آیاتی استدلال نموده و عواملی همچون بی‌عدالتی و ظلم را که سبب مرگ و نابودی امت‌ها و جامعه می‌شود را بیان می‌نماید؛ در نتیجه بر اساس قرآن که می‌فرماید: ﴿مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ...﴾؛ (اسراء: ۱۵) «هر کس هدایت شود، برای خود هدایت یافته و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد...» آیه شریفه مربوط به آخرت است؛ اما در دنیا وقتی عذاب نازل شد، مختص به ظالمان نیست؛ بلکه دامن تمامی افراد جامعه را می‌گیرد. (الصدر رحمته، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۹: ۵۹) قرآن کریم به این مطلب به صراحت اشاره نموده می‌فرماید: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (انفال: ۲۵)؛ «و از فتنه‌ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد؛ (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چراکه دیگران سکوت اختیار کردند.) و بدانید خداوند کیفر شدید دارد.»



## نمونه دوم: نقش عدالت در رفاه اقتصادی

شهید صدر<sup>رحمه</sup> درباره وضع نابسامان اقتصادی در جوامع اسلامی با محوریت آیات قرآن کریم به آیات ذیل استدلال می‌کند:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ؛ وَلَدَخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ \*  
وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ، وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ  
أَرْجُلِهِمْ. مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ﴾؛ (مائده: ۶۵-۶۶) «و اگر اهل  
کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آن‌ها را می‌بخشیم و آن‌ها را در باغ‌های پر نعمت  
بهشت، وارد می‌سازیم\* و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آن‌ها نازل  
شده [قرآن] برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد؛ جمعی از آن‌ها، معتدل و میانه‌رو  
هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می‌دهند»

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، وَ لَكِنْ  
كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (اعراف: ۶۶)؛ «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان  
می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی (آن‌ها حق را)  
تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.»

﴿وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾؛ (جن: ۱۶) «و اینکه اگر آن‌ها [جن]  
و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم.»

شهید صدر<sup>رحمه</sup> در تبیین این آیات شریفه می‌فرماید:

این آیات از ارتباط بین استقامت در مسیر ایمان به خدا و تطبیق احکام الهی و وفور نعمت  
سخن می‌گوید و شریعت آسمانی برای تثبیت عدالت در جامعه نازل شده است و به خاطر اهمیت  
عدالت است که می‌فرماید: آن‌ها اگر عدالت در توزیع را رعایت می‌کردند؛ هرگز به سختی و نداری  
اقتصادی گرفتار نمی‌شدند؛ بلکه مال و ثروت خیرات و برکات افزونی می‌یافت؛ اما مردم چنین  
تخیل نمودند که عدالت اقتصادی سبب فقر آن‌ها می‌شود. درحالی که سنت و قانون تاریخ بشر  
خلاف این پندار را می‌رساند. (الصدر، ۱۴۲۱، ق، ج ۱۹: ۶۶)

## تحلیل و بررسی

آنچه در این آیات شریفه از نظر مفسر اهمیت ویژه‌ای دارد، حیات و سلامت جامعه بیمار است که می‌کوشد با استفاده از رهنمودهای بی‌بدیل آیات قرآن کریم، به درمان آن بپردازد و به جامعه دینی بگوید نسبت به آنچه در اطراف شما می‌گذرد، بی‌تفاوت نباشید که سنت‌های الهی در تاریخ بیان‌گر آن است که سرنوشت امت‌های گذشته بر شما تکرار خواهد شد. اگر در جامعه امر به معروف و نهی از منکر نباشد، در مقابل مستکبران سیاسی ایستادگی و جهاد و دفاع صورت نگیرد، جامعه حیات خود را از دست خواهد داد و در این صورت مانند مرده‌ای می‌ماند که اگر مورد تجاوز قرار گرفت، نیرو و حرکت ندارد تا از خود دفاع کند.

### ب) نظریه «منطقة الفراغ»

یکی از مهم‌ترین شبهات معاندین در عصر حاضر این است که دین هزار و چهارصد سال قبل چگونه قابلیت و توان پاسخ‌گویی به نیازهای انسان عصر فناوری و اطلاعات را دارد؛ زیرا خداوند در سومین آیه سوره مائده می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ يَنْسَأَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾، (مائده: ۳) «امروز است که دیگر کفار از ضدیت با دین شما مأیوس شدند، دیگر از آن‌ها ترسید و تنها از من بترسید، امروز است که دین شما را تکمیل کردم و نعمت خود بر شما تمام نمودم و امروز است که دین اسلام را برای شما پسندیدم.»

آنچه در این آیه شریفه جلب توجه می‌کند، این است که اولاً اکمال دین به چه معنا است؟ ثانیاً آیا دینی که بیش از هزار سال قبل در حصر جغرافیای خاص و به زبان خاص آن‌هم در بین مردم که به فرمایش آیات قرآن و گزارش متقن تاریخی زمان جاهلی نامیده شده و تعداد افراد باسواد که در آن عصر خواندن و نوشتن می‌دانستند، از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند، چگونه می‌تواند نیازهای بی‌شمار و سیال بشر عصر علم را پاسخ‌گو باشد؟ (ر.ک: حسینی، ش ۳، ص ۳۱)

در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده یعنی چیستی اکمال دین و اینکه دین هزار چهارصد سال قبل چگونه پاسخ‌گویی نیازهای انسان معاصر است؟ اندیشمندان اسلامی راهکارهای متعددی را بیان داشته‌اند؛ از جمله راهکارهای ارائه شده برای پاسخ‌گویی دین به نیازهای انسان معاصر، نظریه «منطقة الفراغ» از شهید صدر رحمته الله است.

### ۱. حدود «منطقة الفراغ»

در میان دیدگاه‌های مطرح شده، آنچه نظریه «منطقة الفراغ» را متمایز می‌کند، تبیین و تحدید منطقه‌ای معین است که حاکم و دولت اسلامی می‌تواند، در آن، بر اساس اصول، ضوابط و اهداف به وضع قوانین متناسب با اوضاع و احوال دست زند و اختیارات ولی امر در «منطقة الفراغ»، الزام به اموری است که نص تشریحی دال بر الزام (حرمت یا وجوب) در آن وجود ندارد. با تبیین نظریه «منطقة الفراغ» چگونگی اکمال دین و نحوه پاسخ‌گویی دین به نیازهای عصر کنونی روشن می‌گردد؛ بدین معنا که راهکارهایی که در دین تعبیه شده است، این امکان را به دین‌شناس و محقق دینی می‌دهد تا از طریق یکی از راهکارهای بیان شده به تناسب پرسش‌ها، پاسخ آن را بیان نماید.

### ۲. فرازمانی بودن نظریه «منطقة الفراغ»

تأملی در آثار شهید صدر رحمته الله نشان می‌دهد که این نظریه برای سازگار ساختن نظام حقوقی اسلام با همه زمان‌ها و مکان‌ها ارائه شده و آن را پاسخگوی نیاز انسان تا ابد می‌گرداند. شهید صدر در اقتصادنا می‌گوید:

والفكرة الأساسية لمنطقة الفراغ هذه تقوم على أساس أن الإسلام لا يقدم مبادئه التشريعية للحياة الاقتصادية بوصفها علاجاً مؤقتاً أو تنظيمياً مرحلياً يجتازه التاريخ بعد فترة من الزمن إلى شكل آخر من أشكال التنظيم وإنما يقدمها باعتبارها الصورة النظرية الصالحة لجميع العصور. (الصدر، ۱۴۲۴ ق: ۸۰۱)

### ۳. رابطه انسان با طبیعت و با هم نوع

شهید صدر رحمته الله در کتاب اقتصادنا می گوید:

و لكي نستوعب تفصيلات هذه الفكرة يجب أن نحدّد الجانب المتطوّر من حياة الإنسان الاقتصادية، ومدى تأثيره على الصورة التشريعية التي تنظّم تلك الحياة، فهناك في الحياة الاقتصادية علاقات الإنسان بالطبيعة، أو الثروة التي تتملّ في أساليب إنتاجه لها و سيطرته عليها وعلاقات الإنسان بأخيه الإنسان التي تنعكس في الحقوق و الامتيازات التي يحصل عليها هذا أو ذاك. (الصدر، ۱۴۲۴ ق: ۸۰۱).

در زندگی اقتصادی انسان روابط متنوعی وجود دارد. از جمله رابطه‌ای که انسان با طبیعت و سرمایه‌های طبیعی و نیز رابطه او با هم‌نوع خود دارد که «منطقه الفراغ» ناظر به آن است. شهید صدر رحمته الله در این باره می گوید:

و أمّا علاقات الإنسان بالإنسان التي تحدّدها الحقوق والامتيازات والواجبات فهي بطبيعتها تتوقّف على وجود الإنسان ضمن الجماعة، فما لم يكن الإنسان كذلك لا يقدم على جعل حقوق له و واجبات عليه. فحقّ الإنسان في الأرض التي أحيها و حرمانه من الكسب بدون عمل عن طريق الربا، و إلزامه بإشباع حاجات الآخرين من ماء العين التي استنبطها إذا كان زائداً على حاجته ... كلّ هذه العلاقات لا معنى لها إلّا في ظلّ جماعة. (الصدر، ۱۴۲۴ ق: ۸۰۱)

به‌عنوان مثال حقوق قانونی فرد در زمین احيائی، محرومیت از درآمدهای بدون کار و از راه رباخواری، الزام به واگذاری آب مازاد بر احتیاج به دیگران از آب چشمه‌ای که با کار شخصی جاری کرده و سایر روابط قانونی، جز در سایه زندگانی اجتماعی معنا و مفهومی ندارد. در این حالت است که «منطقه الفراغ» به کار گرفته شده و برحسب شرایط و نیازهای روز، مقرراتی در جهت حفظ مصالح عمومی وضع می‌گردد.

#### ۴. دلیل شرعی «منطقة الفراغ»

شهید صدر<sup>رحمته</sup> در پاسخ به این سؤال که حکومت چگونه می‌تواند در «منطقة الفراغ» حکم کند؟ به ادله قرآنی اشاره نموده می‌فرماید:

«والدلیل علی إعطاء ولیّ الأمر صلاحیات كهذه لملء «منطقة الفراغ» هو النصّ القرآنی الکریم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹)

ایشان سپس به تبیین و بررسی نمونه‌هایی از احکام متغیر در زمان رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> می‌پردازد؛ برای مثال در احادیث و نصوص شرعی آمده است که پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> مردم مدینه را از عدم واگذاری آب‌های زائد بر نیازشان، منع کردند. اکنون با توجه به اینکه می‌دانیم، اجتناب افراد از واگذاری اموال زائد بر نیازشان، اصولاً ممنوع نیست و از محرمات اصیل به شمار نمی‌رود، معلوم می‌شود که منع و نهی پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup>، به‌عنوان رئیس دولت اسلامی و به دلیل اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی آن روزگار صورت گرفته است.

#### ۵. پاسخ به یک شبهه

ممکن است گفته شود طبق آیات و روایات متعدد و معتبر در نظام حقوقی اسلامی، خلأ قانونی وجود ندارد تا نیازمند پر کردن آن از سوی حاکم یا نمایندگی او باشیم. وقتی قرآن کریم به‌صراحت اسلام را کامل و تمام معرفی می‌کند؛ این بدان معنا است که تکلیف همه پدیده‌های مورد نیاز بشر در منابع دینی تعیین شده است. در این صورت چه خلأ وجود دارد که آن را با قانون‌گذاری بشری پرکنیم، اگر قائل به کارایی چنین نظریه شویم. در ضمن ناقص بودن بیان شرع را پذیرفته‌ایم،

شهید صدر<sup>رحمته</sup> در پاسخ به این سؤال تصریح می‌کند:

ولا تدلّ «منطقة الفراغ» علی نقص فی الصورة التشريعیّة أو إهمال من الشریعة لبعض الوقائع والأحداث، بل تعبّر عن استیعاب الصورة و قدرة الشریعة. (الصدر، ۱۴۲۴

ق: ۸۰۴)

وجود چنین حوزه‌ای در فقه و حقوق اسلامی نه تنها نشانه نقص آن نیست؛ بلکه رمز بالندگی، انعطاف‌پذیری و توانایی آن برای پاسخ به نیازهای زمان یا مکان‌های متفاوت است.

## بررسی آراء تفسیری سید قطب

### ۱. آثار قرآنی سید قطب

سید قطب دارای تألیفات زیادی در تفسیر قرآن و معارف اسلامی است، از جمله «التصویر الفنی فی القرآن»، «العدالة الاجتماعية فی القرآن»، «مشاهد القيامة فی القرآن» و تفسیر «فی ظلال القرآن» که در هشت جلد چاپ شده است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۳۲۹؛ صالح، ۱۴۲۴: ق: ۳۴۸) در بین آثار قرآنی سید قطب کتاب «التصویر الفنی فی القرآن» و تفسیر «فی ظلال القرآن» از شهرت بیشتری برخوردار است که در ادامه به صورت اجمالی به توضیح آن می‌پردازیم.

#### الف) التصوير الفنی فی القرآن

سید قطب از کودکی مجذوب زبان خیال‌انگیز و تصویرپردازی قرآن، قرار گرفت. در سال ۱۹۳۹ در مجله‌ی المقتطف با همین عنوان «التصویر الفنی فی القرآن» به قول خود، پرده از جمال هنری قرآن برداشته و از آن قدرت شگرفی سخن گفته است که توانسته با گزینش واژه‌ها نقشی بیافریند که کلک هیچ نگاره‌گر و دوربین هیچ فیلم‌برداری قادر به آفرینش آن نیست. باید گفت این خصیصه هنری در زبان قرآن نیز پیش از سید قطب مورد توجه بوده است. از پی‌نوشت خود سید در چاپ دوم التصوير الفنی (۱۹۶۵) برمی‌آید که وی به دنبال چاپ اول کتاب خویش اطلاع یافته که استاد امین خولی در دانشکده ادبیات قاهره، به صورت دیگر، این جنبه از زبان و بیان قرآن را تدریس می‌کرده است. همچنین سید قطب در کتاب خود به بیان زمخشری در تفسیر سوره فاتحه و نیز تفسیر آیه «وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ» اشاره می‌کند و می‌گوید که زمخشری به سطحی از سطوح هنر تصویری قرآن پی برده بود، همان‌گونه که پیش از او عبدالقاهر جرجانی نیز به این مطلب تقرب یافته بود. (فراستخواه، ۱۳۷۶: ۹۴)

## ب) تفسیر فی ظلال القرآن

دومین اثر قرآنی سید قطب که از مشهورترین و اثرگذارترین تألیفات او به شمار می‌رود، تفسیر «فی ظلال القرآن» است. این تفسیر در ابتدا به صورت مقالات تألیف گردید؛ سپس تبدیل به کتاب شد. (سیاوشی، ۱۳۸۸: ۳۳) سید قطب در «فی ظلال القرآن» متأثر از آثار تفسیری قبل از خود نیست؛ - هر چند بر خی سید قطب را متأثر از اوضاع سخت سیاسی پیرامون او می‌داند - زیرا بر آن‌ها نقد می‌زند و هدف اساسی قرآن را تحول جامعه بیان می‌کند. (همان، ۱۳۸۸: ۴۸)

## ۲. مبانی تفسیری سید قطب

### الف) پیوستگی موضوعی سوره‌های قرآن

یکی از مبانی تفسیری سید قطب تناسب آیات هر سوره یا وحدت موضوعی سوره‌های قرآن است. وحدت موضوعی بدین معناست که هر سوره یک یا چند محور موضوعی محدود و کلی دارد که تمام آیات سوره به گونه‌ای پیرامون آن موضوع یا موضوعات در حرکت‌اند. برخی آن را گونه‌ای از تفسیر موضوعی می‌دانند که به دنبال هدف اساسی سوره است و این هدف اساسی، همان محور موضوعی سوره است. می‌توان گفت: این شیوه نگاهی محققانه به سوره قرآن است که درصدد است، در ورای پراکندگی ظاهری میان مباحث و موضوعات یک سوره و احیاناً علیرغم اختلاف‌زمانی در نزول آیات آن، موضوعی واحد یا محوری مشترک برای آن موضوعات و مباحث، جستجو کند و ارتباطی مقبول و انسجامی درخور، بین آیات هر سوره بیابد. (سیاوشی، ۱۳۸۸: ۱۱۸)

مبنای وحدت موضوعی سوره، علی‌رغم تأملات و دقت‌های دیگر مفسران پیرامون آن، در منهج تفسیری سید قطب آن‌چنان نمایان، گسترده و باشکوه است که بخش قابل توجهی از تفسیر او را به خود اختصاص داده است، به گونه‌ای که هیچ فرد منصفی نمی‌تواند ورزیدگی و تبحر او را در این مسئله انکار کند. (سیاوشی، ۱۳۸۸: ۱۲۸) سید قطب در اول هر سوره تلاش‌های گسترده و نسبتاً موفقی برای اطلاع و کشف اهداف سوره و تناسب آن با تمامی آیات آن انجام داده است، به طوری که یک تصویری از اهداف کلی و جزئی هر سوره فرا روی خوانندگان قرآن کریم قرار می‌دهد که توسط آن می‌توانند یک وحدت موضوعی منسجم و مناسبی برای هر سوره تصور نمایند. این وحدت

موضوعی و استخوان‌بندی در مورد سوره‌ها، تسلسل طبیعی حاکم بر انتقال از غرضی به غرض دیگر را تا آخر و انتهای سوره‌ها و استیفای تمامی اهداف منظور در آن را، فرامی‌گیرد. (معرفت، ۱۳۷۳: ۳۲)

### ب) قرآن کتاب هدایت است نه علم

سید قطب در فی ظلال القرآن، در برخی موارد به تفسیر علمی پرداخته است؛ اما انطباق آیات را با فرضیه‌های علمی جایز نمی‌داند (رفیعی، ۱۳۸۶: ۳۲۵) و می‌گوید:

من تعجب می‌کنم که افراد ساده سعی می‌کنند تا چیزهایی که در قرآن نیست، به قرآن نسبت دهند و آنچه را مقصود قرآن نیست، بر آن تحمیل نمایند و جزئیات علوم پزشکی، شیمی، نجوم و ... را از قرآن استخراج نمایند و مثل اینکه بدین وسیله، شأن قرآن را بزرگ می‌کنند. قرآن در موضوع خودش که هدایت انسان است، کتاب کاملی است؛ چون هدایت انسان از همه موضوعات علوم دیگر، بالاتر است.

سید قطب سپس سه اشکال بر تفسیر علمی ذکر می‌کند و می‌گوید:

تفسیر علمی یک خطای روشن است که سه مسئله را در پی دارد:

۱. این یک عقب‌گرد است که ما گمان کنیم، قرآن تابع علم است و باید قرآن به وسیله علوم

تثبیت شود، درحالی که علوم در معرض خطا و تغییر است.

۲. موجب می‌شود در ذات قرآن و وظیفه آن سوء فهم شود.

۳. موجب تأویل آیات قرآن می‌شود که با تکلف صورت می‌گیرد.

سید قطب به دو نوع تفسیر و برداشت از آیات علمی قرآن اشاره می‌کند و یک نوع را جایز و نوع دیگر را غیرمجاز می‌شمارد. برای نوع غیر جایز، انطباق نظریه تکامل با آیه ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ﴾ (مؤمنون: ۱۲) را مثال می‌زند که ممکن است، این نظریه تغییر کند و برای نوع جایز آن آیه شریفه ﴿وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقْدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ (فرقان: ۲) را مثال می‌زند که برای هر چیزی مانند شکل زمین و فاصله آن از خورشید و ماه، حجم خورشید و ماه، سرعت حرکت آن‌ها و نسبت‌هایی که بین آن‌ها برقرار است، مقدار و تناسب دقیقی است که نمی‌تواند



تصادفی باشد و این آیه را می‌توان در مفهومش توسعه داد و اشکالی ندارد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۳۲۹) ن.ک: (وحید شعبان، ۱۴۲۷: ۲۰۰۶: ۱۴۷)

### ج) قرآن برنامه زندگی

یکی از مبانی تفسیری سید قطب اعتقاد به این است که قرآن یک برنامه و آیین زندگی است. این مبنا در منهج تفسیری سید قطب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. او در تلاش است، طبق این دیدگاه به بیان اغراض و حقایق قرآن بپردازد و قرآن را به‌عنوان یک منبع حرکت و عمل معرفی نماید و چگونگی زندگی رسول خدا ﷺ و مسلمانان صدر اسلام را نمونه‌های از الگوی زندگی قرآنی بیان می‌کند. سید قطب می‌گوید: با رحلت رسول خدا ﷺ و فاصله گرفتن مسلمانان از قرآن و فتنه‌انگیزی‌های دشمنان نقش تربیتی قرآن در زندگی‌ها کاسته شد. (سیاوشی، ۱۳۸۸: ۱۹-۱۹۸)

### ۳. روش تفسیری سید قطب

روش سید قطب به این صورت است که در آغاز، بخشی از آیات را ذکر می‌کند، سپس جو عمومی سوره، مسائل تاریخی زمان نزول آیه و حقایقی که آیه را در برمی‌گیرد، همچنین اهداف و مقاصد سوره را بیان می‌کند و نیز در ضمن بیان این موارد فضیلت سوره و اسباب نزول آن و نیز تناسبش را با سوره قبلی را بیان می‌کند. سپس ویژگی‌های دیگری از سوره و آیه را می‌گوید؛ از باب نمونه در ابتدای تفسیر سوره کهف چنین بیان می‌دارد:

القصص هو العنصر الغالب فی هذه السورة ففی أولها تجیء قصة أصحاب الکهف و بعدها قصة الجنین، ثم إشارة إلى قصة آدم و إبلیس و فی وسطها تجیء قصة موسی مع العبد الصالح و فی نهایتها قصة ذی القرنین. (سید بن قطب، ۱۴۱۲ ق ج ۴: ۲۲۵۶)

سپس برای بار دوم تفسیر تعدادی از آیات را با شرح و توضیح بیانی و اشاره حرکتی و تربیتی بیان کرده است. همان‌طور که بیان شد، روش سید قطب روشی فکری، حرکتی و تحلیلی است.

### ۴. نمونه‌های تفسیری

الف) سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن» ذیل آیات نخستین سوره انبیاء می‌نویسد:

هذه السورة، مكية تعالج الموضوع الرئيسي الذي تعالجه السور المكية ... موضوع العقيدة ... تعالجه في ميادينه الكبيرة: ميادين التوحيد و الرسالة و البعث و سياق السورة يعالج ذلك الموضوع بعرض النواميس الكونية الكبرى و ربط العقيدة بها، فالعقيدة جزء من بناء هذا الكون، يسير على نواميسه الكبرى و هي تقوم على الحق الذي قامت عليه السماوات و الأرض و على الجد الذي تدبر به السماوات و الأرض و ليست لعبا و لا باطلا، كما أن هذا الكون لم يخلق لعبا و لم يشب خلقه باطل: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينَ﴾ (انبیاء: ۱۶)

این سوره مکی است و سور مکی به علاج موضوعات اساسی اعتقادی می پردازد. قرآن کریم همه شئون زندگی بشر را از معرفت به مبدأ هستی تا بعث و قیامت را در بر گرفته و به همان جد که قرآن به تبیین خلقت و استحکام بنای تکوینی و تدبیر آسمانها و زمین می پردازد، به اهمیت زندگی بشر نیز اشاره می کند. (سید بن قطب، ۱۴۱۲ ق: ج ۴: ۲۳۶۴)

ب) سید قطب یکی از مصادیق درک صحیح از قرآن و برای علاج جامعه، آیه شریفه را مثال می زند که می فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ، أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ﴾؛ (انعام، ۸۲) الذين آمنوا و أخلصوا أنفسهم لله، لا يخلطون بهذا الإيمان شركا في عبادة و لا طاعة و لا اتجاه، هؤلاء لهم الأمن و هؤلاء هم المهتدون. (سید بن قطب، ۱۴۱۲ ق، ج ۲: ۱۱۴۲)

سید قطب تحلیلی که از این آیه دارد، می گوید: مسلمانان صدر اسلام با شنیدن چنین آیاتی واقعیات پیرامونی آن را لمس می کردند و به حقانیت آن ایمان داشتند و طبق آن در زندگی عمل می کردند. (سید بن قطب، ۱۴۱۲ ق ج ۴: ۲۲۵۶).

ج) از دیگر مصادیقی که سید قطب ارائه می دهد آیه ۱۰۱ سوره مبارکه مائده است که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَلْ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ﴾ (مائده: ۱۰۱) و أخرجہ الدار قطنی أيضا عن أبي عیاض عن أبي هريرة قال: قال رسول الله ﷺ: يا أيها

الناس كتب عليكم الحج، فقام رجل فقال: أفي كل عام يا رسول الله ﷺ؟ فأعرض عنه، ثم عاد فقال: أفي كل عام يا رسول الله ﷺ؟ فقال: و من القائل؟ قالوا: فلان، قال: «و الذى نفسى بيده لو قلت: نعم، لوجبت و لو وجبت ما أطقتموها و لو لم تطيقوها لكفرتنم (سيد بن قطب، ۱۴۱۲ ق ج ۲: ۹۸۵). فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءَ إِن تُبَدَّلَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ﴾. (مائده، ۱۰۱)

سيد قطب روايت شان نزولى را بيان مى كند كه در زمان وجوب حج فردى سؤال كرد: يا رسول الله آيا هر سال حج واجب است؟ رسول خدا ﷺ جواب نداد و بار دوم سؤال نمود، حضرت فرمود: سؤال كننده كيست؟ جواب دادند فلانى، فرمود: اگر مى گفتم بله هر سال حج بر شما واجب مى شد و اگر واجب مى شد و شما طاقت نداشتيد، كافر مى شديد؛ پس از هر چيز كه اگر آشكار شود به ضرر شما خواهد بود، سؤال نكنيد. در واقع اين آيات بيان گر آن است كه در صدر اسلام مسلمانان با واقع گرایی قرآن، ايمان كامل داشتند؛ اما در عصر كنونى به دليل فاصله گرفتن مردم از دستورات قرآن، سبك زندگى غير دينى در جامعه حاكم شده است.

## ۵. نمونه‌های از تصویر هنری در قرآن

### الف) سرنوشت تكذيب كنندگان

قرآن كريم در سوره اعراف مى فرمايد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ﴾ لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ، وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (اعراف: ۴۰)؛ «كسانى كه آيات ما را تكذيب كردند و در برابر آن تكبر ورزيدند، (هرگز) درهاى آسمان به رويشان گشوده نمى شود؛ و (هيچ گاه) داخل بهشت نخواهند شد؛ مگر اينكه شتر از سوراخ سوزن بگذرد، اين گونه، گناهكاران را جزا مى دهيم.»

سید قطب برای تبیین بهتر آیات، روش متفاوتی را در پیش می‌گیرد و واقعیت بیان شده در آیه را با تصویر هنری بیان می‌کند تا انسان در تصور خود مجال بودن این امر را درک نماید. وی می‌گوید انسان اگر سوراخ سوزن را تصور کند و شتری را که از آن باید عبور نماید به مجال بودن این امر حکم می‌کند، خداوند قبول توبه، اجابت دعا و آمرزش تکذیب کنندگان آیات الهی را به آن تشبیه نموده است تا برای مخاطب حقیقت امر روشن گردد. (سید بن قطب، ۱۴۱۲ ج ۳: ۱۲۹۱)

### ب) باورهای بی‌اساس مشرکین

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾؛ (حج: ۳۱) «و هر کس همتایی برای خدا قرار دهد، گویی از آسمان سقوط کرده و پرنندگان (در وسط هوا) او را می‌ریزند و یا تندباد او را به جای دوردستی پرتاب می‌کند.»

تصویر پر از خوف و هراس برای کسانی که باور خود را برای خدا خالص نکرده‌اند، مانند کسی می‌ماند که از آسمان سقوط کند و برق‌آسا پرنده‌ای درنده او را از هوا برباید یا باد تند او را به سیاه‌چال‌های ضلالت به افکند. این تصویر از سرنوشت انسانی است که دلیل معتبر بر باور خویش ندارد. (سید بن قطب، ۱۴۱۲ ج ۴: ۲۴۲۲)

### ج) تشبیه پندارهای باطل به لانه عنکبوت

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بُيُوتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾؛ (عنکبوت: ۴۱) «مثل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده؛ درحالی که سست‌ترین خانه‌های خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند.»

سید قطب می‌گوید:

إنه تصوير عجيب صادق لحقيقة القوى في هذا الوجود، الحقيقة التي يغفل عنها الناس أحيانا، فيسوء تقديرهم لجميع القيم و يفسد تصورهم لجميع الارتباطات و تختل في أيدهم

جميع الموازين و لا يعرفون إلى أين يتوجهون ما ذا يأخذون و ما ذا يدعون؟ (سید بن

قطب، ۱۴۱۲ ج ۵: ۲۷۳۶)

این تصویر عجیب از حقیقت است که انسان از آن غافل مانده است که تمام نقشه‌ها بر آب و تمام پندارهای باطل او بی‌ارزش است؛ درحالی که خیال می‌کند، جمیع اسباب وصول به خواسته‌ها در دست اوست، غافل از آن است که به کدام سو می‌رود و چه می‌خواهد. چه تصویر زیباتر و چه تشبیهی روشن‌تر از این، کسی که لانه عنکبوت در نظرش از دوام و استحکامی برخوردار است؛ اما در برابر یک باد ملایم از جای کنده می‌شود و با افتادن قطره آبی پاره می‌گردد و با نزدیک شدن شعله آتش از هم می‌پاشد، بت‌ها و همچنین هر پایگاهی غیر خدا مانند قدرت و ثروت، عشیره و اولاد، بسان لانه عنکبوت است که در یک چشم به هم زدن فرومی‌ریزد و اثری از آن باقی نمی‌ماند. (حسینی، ش ۲۶: ۲۲).

## نتیجه‌گیری

هر چند در این مقاله بررسی آراء تفسیری شهید صدر<sup>علیه السلام</sup> و سید قطب به صورت کامل ممکن نیست؛ اما نگارنده برخی از آراء و نظریات دو مفسر و روش تفسیری آن دو را هر چند مختصر بیان نمود است. از جمله آراء بیان شده، نظریه «استنطاق» از شهید صدر<sup>علیه السلام</sup> است که با الهام از روایت امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> روش نوی را برای تفسیر و تبیین آیات الهی انتخاب می‌کند. آنچه را که شهید صدر<sup>علیه السلام</sup> در نظریه «استنطاق» به دنبال آن است، پاسخ پرسش‌ها و سوالات لاینحل جامعه است که مفسر باید آن را از قرآن کریم استخراج نماید. در این روش مفسر یک موضوع اعتقادی مثل توحید، نبوت، معاد یا موضوعی اجتماعی مثل نظام اقتصادی، رابطه ایمان و عمل، رابطه رفاه اقتصادی و معنویت دینی، رابطه دنیا و آخرت، روابط مسلمانان با غیرمسلمانان، سکولاریسم در قرآن، پلورا لیسم در قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهد و می‌کوشد، نظر نهایی قرآن درباره آن موضوع را به دست آورد.

دومین نظریه قرآنی و راهکاری را که شهید صدر<sup>علیه السلام</sup> برای پاسخ‌گویی دین به نیازهای انسان معاصر بیان می‌کند، نظریه «منطقة الفراغ» است. حاصل این نظریه آن است که اساس دین اسلام

هدایت انسان است و در این موضوع دین اسلام کامل است که قرآن کریم در آیه سوم سوره مائده می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ بدین معنا که پیامبر ﷺ حاکم و فرمانروا از جانب خدای متعال است و این منصب جامع امور دینی و دنیای در زندگی بشر است که پس از پیامبر ﷺ به اوصیای او، یکی پس از دیگری، انتقال پیدا می‌کند تا جامعه اسلامی از حاکم برحق و دانای به همه اسلام خالی نماند و آنان روش فهم قرآن و سنت و روش استنباط احکام اسلام را آموزش داده‌اند که تا ابد و در طول تاریخ، انسان‌ها بتوانند رأی اسلام در هر زمینه را، از منابع آن، استخراج و استنباط کنند. این روش که اجتهاد مصطلح شیعی بر پایه آن بنا شده است، راهی است که در صورت پیموده شدن، می‌تواند رأی اسلام را در همه زمان‌ها درباره هر موضوعی از منابع دین به دست آورد.

بحث دوم این مقاله به تبیین آراء قرآنی و روش تفسیری سید قطب اختصاص داشت که نویسنده پس از بیان خلاصه شخصیت و آثار قرآنی او، به معرفی دو اثر از آثار قرآنی سید قطب «التصویر الفنی فی القرآن» و «تفسیر فی ظلال القرآن» پرداخته در ضمن بیان مبانی تفسیری سید قطب نمونه‌های از تصویر فنی و نمونه‌های از روش تفسیری ایشان را بیان نموده است.

آنچه مهم به نظر می‌رسد، آن است که در آراء تفسیری شهید صدر رحمته الله و سید قطب همانندی‌ها و تفاوت‌هایی است که شرح آن خود مقاله می‌طلبد، اما به اختصار می‌توان گفت هدف هر دو مفسر بیداری جوامع اسلامی و زندگی در سایه قرآن کریم است که برای رسیدن به این هدف هر یک روشی را در پیش گرفته است. روش تفسیری شهید صدر رحمته الله به این صورت است که پاسخ پرسش‌ها و چالش‌های جامعه را از ساحت قرآن به دست می‌آورد؛ اما سید قطب ابتدا با مطالعه قرآن کریم رموز سعادت انسان را از آن کشف نموده و هنرمندانه پندهای تاریخی و حقایق قرآنی را به زیبایی تصویر می‌نماید.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- اصفهانی، راغب، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، *مفردات الفاظ قرآن*، ج ۲، مرتضوی، تهران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، *ولایت فقیه (ولایت، فقاہت و عدالت)*، ج ۹، نشر اسراء، قم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا)، *الصحاح*، بیروت.
- الحائری، السید علی اکبر (۱۹۹۱ م)، *حیة الشہید الصدر*، مجمع الفکر الاسلامی، قم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، *وسائل الشیعة*، مؤسسه آل البيت، قم.
- حسینی، سید علی (تابستان ۱۳۹۲)، *نقد پندار غیر معرفت بخشی امثال قرآن*، فصل نامه سفیر نور، شماره ۲۶.
- حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۰)، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۵)، *روشها و گرایشهای تفسیری قرآن*، ج ۲، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵)، *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*، اسوه، قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷) *منطق تفسیر قرآن*، جامعه المصطفی العالمیه، قم.
- رفیعی، ناصر (۱۳۸۶)، *سیر تدوین و تطور تفسیر علمی*، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم.
- سعد یوسف محمود ابو عزیز (بی تا)، *الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر*، مکتبة التوفیقیه، القاهرة.
- سیاوشی، کرم (۱۳۸۸)، *تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیری سید قطب در فی ظلال*، نشر بین الملل، تهران.
- شادلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲ ق)، *فی ظلال القرآن*، ج ۱۷، دارالشروق، بیروت.

- \_\_\_\_\_ (بی تا)، تصویر فنی، نمایش هنری در قرآن، ترجمه محمد علی عابدی، مرکز نشر انقلاب، تهران.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق)، نهج البلاغه (للمصباحی صالح)، هجرت، قم.
- شفیعی، سید محمد، صلواتی، فضل الله (۱۳۹۱)، تفاسیر و مفسران شیعه، اطلاعات، تهران.
- الصدر رحمته، الامام محمد باقر (۱۴۲۱ ق)، المدرسة القرآنیة، مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر رحمته، قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۴ ق)، اقتصادنا، مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر رحمته، قم.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ج ۲، قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فراهانی، تهران.
- عبدالقادر، محمد صالح (۱۴۲۴ ق)، التفسیر و المفسرون فی العصر الحدیث، دار المعرفة، بیروت.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق) تفسیر نور الثقلین، ج ۴، اسماعیلیان، قم.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳)، مبانی و روش های تفسیر قرآن، ج ۳، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۶)، زبان قرآن، موسسه علمی و فرهنگی، تهران.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا)، کتاب العین ج ۲، قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، ج ۴، دار الکتب الإسلامیة، تهران.
- معرفت، محمدهادی، عزت الله مولائی نیا (۱۳۷۳)، تناسب آیات، بنیاد معارف اسلامی، قم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، پیام قرآن، ج ۵، جامعه مدرسین، قم.
- وحید شعبان، مروان (۱۴۲۷ ق)، الاعجاز القرآنی فی ضوء الاكتشاف العلمی الحدیث، دارالمعرفة، بیروت.